
Application of the Rule of Justice in News Reporting from the Perspective of Audience Rights

By: Moslem Maleki, Ph.D.*

Abstract:

The necessity of news throughout history has been such that it was used as a tool for persuading, stimulating and mobilizing public opinion. Some news programs constantly use regular norms to expand and even shape values. But some others spread false and misleading news in the society in order to protect their interests. On the other hand, the increase in the volume and speed of information and news exchange in order to maintain social cohesion caused the type and method of information and news transmission to change. Therefore, knowing the rules helps the reporter to understand and adjust the news and it can also be used in the form of criteria for comparing, evaluating and selecting the events of the day. In this study, the author examines the practical indicators of the rule of justice in news reporting with the use of library resources, using documentary methodology and a descriptive-analytical approach, from the perspective of the audience's rights.

Keywords: *News, Rules of Jurisprudence, Justice, Audience, Media*



کاربرد قاعده عدالت در خبررسانی از منظر حقوق مخاطب

مسلم ملکی*

چکیده

ضرورت خبر در طول تاریخ آنچنان بوده که از آن به‌عنوان ابزاری برای ترغیب، تهییج و بسیج افکار عمومی استفاده می‌شده است. برخی از برنامه‌های خبری، همواره از هنجارهای قاعده‌مند برای بسط و گسترش ارزش‌ها یا حتی شکل‌دهی به آنها استفاده می‌کنند؛ اما برخی دیگر، با هدف حفظ منافع خود، اخبار نادرست و همراه‌کننده را در جامعه نشر می‌دهند. از سوی دیگر، افزایش حجم و سرعت مبادله اطلاعات و اخبار در جهت حفظ انسجام اجتماعی باعث شد که نوع و روش انتقال اطلاعات و اخبار نیز متغیر شود؛ از این‌رو، شناخت قواعد در درک، فهم و تنظیم خبر به خبرنگار کمک می‌کند و می‌تواند در قالب معیارهایی برای مقایسه، ارزش‌گذاری و گزینش رویدادهای روز مورد استفاده قرار گیرد. پژوهش حاضر، با روش اسنادی و نیز رویکرد توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، به بررسی شاخص‌های کاربردی قاعده عدالت در خبررسانی از منظر حقوق مخاطب پرداخته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کلیدواژه‌ها: خبر، قواعد فقه، عدالت، مخاطب، رسانه

مقدمه

جایگاه و اهمیت خبر در طول تاریخ آنچنان بوده که از آن به‌عنوان ابزای برای ترغیب، تهییج و بسیج افکار عمومی استفاده می‌شده است. برخی از برنامه‌های خبری، همواره از هنجارهای، قاعده‌مند برای بسط و گسترش ارزش‌ها یا حتی شکل‌دهی به آنها استفاده می‌کنند؛ اما برخی دیگر، در جهت حفظ منافع خود، اخبار نادرست و گمراه‌کننده را در جامعه منتشر می‌کنند. امروزه، اطلاعات و اخبار به صورت یکی از مهمترین و ضروری‌ترین نیازهایی درآمده که هیچ‌گیزی از آن نیست. توسعه شبکه‌های اطلاع‌رسانی و پیشرفت چشمگیر فناوری ارتباطات نیز بر اهمیت این موضوع افزوده و مصرف‌کنندگان این محصول را به شکلی گسترده، به همه افراد بشر تعمیم داده است. از سوی دیگر، افزایش حجم و سرعت مبادله اطلاعات و اخبار در جهت حفظ انسجام اجتماعی باعث شد که نوع و روش انتقال اطلاعات و اخبار نیز متغیر شود.

یکی از دغدغه‌های اصلی نگارنده در حوزه مطالعات حقوق و رسانه، تدوین نظریه قواعدی برای ترسیم نقشه راهبردی رسانه در سپهر رسانه‌ای بوده است. چراکه موضوع خبر، به‌عنوان یک پدیده پیچیده که در مواردی مصنوع ذهن و خلاقیت بشر است، در کنار سایر پدیده‌هایی که مقتضای زندگی پیشرفته جامعه انسانی هستند، قابلیت تحلیل و بررسی دارد.

امروزه خبررسانی در تمام ابعاد زندگی بشری تأثیرگذار است. زیرا خبر و چرخه اطلاع‌رسانی با عرصه اقتصاد، فرهنگ، مناسبات اجتماعی، سیاست و قانون ارتباط دارد و با زندگی خصوصی افراد و شخصیت‌های حقیقی نیز مرتبط است. اهمیت خبر و خبررسانی در زندگی آدمی سبب شد که با در نظر گرفتن مبانی فقهی، قواعد متناسب در حوزه خبر و خبررسانی شناسایی شوند تا گامی اساسی در راه تحقق حاکمیت قانون در حوزه خبر و خبررسانی برداشته شود. برای نیل به این هدف لازم است که مجموعه قواعد فقهی و حقوقی کاربردی در زمینه خبر و خبررسانی، کشف و کارآیی و انطباق این قواعد در ابعاد مختلف خبررسانی بررسی شود. بنابراین قاعده عدالت در حوزه خبررسانی، به‌ویژه با سرلوحه قرار دادن آنها در جمع‌آوری، آماده‌سازی و انتشار اخبار با توجه به حقوق مخاطب، کاربرد دارند. بر این اساس پژوهش حاضر، در پی پاسخ به این پرسش است که: شاخص‌های کاربردی قاعده عدالت در خبررسانی از منظر حقوق مخاطب کدام‌اند؟

هدف از بررسی و تحلیل قاعده عدالت در حوزه خبررسانی از منظر حقوق مخاطب، ارائه شاخص‌های مناسب و مطلوبی است که نهاد خبرگزاری و اطلاع‌رسانی، با ساماندهی کارکردهای آن در جهت ظرفیت‌های مورد نظر قانونگذار به پوشش‌دهی اطلاعات و تولید آگاهی در سطح مخاطبان بپردازد. از اهداف دیگر شناخت روند شکل‌گیری خبری است که از زمان جمع‌آوری تا انتشار بتوان آن را با قاعده عدالت مرتبط انطباق داد. هدف نهایی نیز توجه به حقوق مخاطب در خبر و خبررسانی است تا از طریق آن بتوان خبرگزاری‌ها را کنترل و قانونمند کرد.

پیشینه پژوهش

در زمینه کاربرد قواعد فقه در خبررسانی تاکنون پژوهشی جامع و کامل صورت نگرفته و بیشتر مطالعات، ناقص و پراکنده بوده است. بررسی پایان‌نامه‌ها، کتاب‌ها، مقالات، سایت، مجلات و سایر منبع داخلی و خارجی موجود در این موضوع نشان داد که تا به حال اثری مستقل با عنوان کاربرد قاعده عدالت در خبررسانی از منظر حقوق مخاطب انجام نشده است. در ادامه، به برخی از آثاری که به صورت غیرمستقیم به این حوزه مرتبط‌اند، اشاره می‌شود:

پویا (۱۳۸۹) در کتاب «خبر و خبررسانی در قرآن»، طی چهار فصل، به ابعاد مختلف خبر و خبررسانی در آیات قرآن پرداخته است. در فصل ابتدایی کتاب، ادبیات خبر و خبررسانی در حوزه ارتباطات را بیان می‌کند و سپس، در فصل دوم با رویکرد اسلامی، به خبر و خبررسانی در پژوهش‌های پیشین می‌پردازد. در فصل سوم کتاب با دقتی فنی در حوزه محتوای خبر، نحوه ارائه اخبار در آیات قرآن را مطرح می‌کند و در نهایت، با تطبیق خبر از دیدگاه قرآن و نظریه‌های ارتباطی، به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها با رویکرد درون‌زا قرآنی می‌پردازد.

فخارطوسی (۱۳۸۵) در کتاب «پژوهشی فقهی در خبر و خبرگزاری» سعی کرده است ضمن پرداختن به موضوع‌شناسی خبر و خبرگزاری، همچنین کارکرد خبر و نقش آن در پدیده‌های فرهنگی، قضایی، حقوقی و... حکم‌شناسی آن را نیز بررسی کند. به باور نگارنده، دستیابی به هدف نهایی و فراهم آوردن مجموعه فقهی کامل در باب خبر و اطلاع‌رسانی ایجاب می‌کند که هر یک از بخش‌های کلی این کتاب، یعنی سیاست‌های کلی شارع در حوزه اطلاع‌رسانی، احکام خبر، حقوق و تکالیف مبدأ خبر و حقوق و تکالیف گیرنده خبر به تفصیل از

دیدگاه فقه بررسی شود. در فصل اول کتاب، به مهم‌ترین تکالیف و حقوق مبدأ خبر پرداخته شده است و در فصل دوم، ظرفیت‌ها و ویژگی‌های پدیده خبر (از آن رو که پدیده‌ای است واسط در جهت ایجاد آگاهی و اطلاع) آمده است.

اسماعیلی و جلالی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «نظام هنجاری اطلاع‌رسانی در فقه شیعه» اشاره می‌کنند که؛ دانشمندان علوم ارتباطات، وظایف رسانه‌ها را در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی بررسی کرده‌اند. از بین کارکردهای مختلفی که آنها برای رسانه‌ها بر شمرده‌اند، کارکرد اطلاع‌رسانی جایگاه ویژه‌ای دارد. در ایران رسانه‌ها می‌کوشند در چارچوب هنجارهای فقهی و توصیه‌های دینی، به کارکردهای مورد انتظار رسانه‌های مدرن دست یابند؛ زیرا اصلی‌ترین نیاز یک رسانه دینی، بهره‌گیری از نظریه و چارچوبی هنجاری برای سیاستگذاری، عملکرد بهتر و مناسب‌تر است. این چارچوب بر آموزه‌های دینی استوار است و رسانه در نشر و پخش، آن را مبنای خود قرار می‌دهد. این مقاله تلاش دارد باتوجه به نظریه‌های هنجاری و تکیه بر نظریه هنجاری اسلامی و بررسی کتاب الهی و روایات امام معصوم (ع) به روش اسنادی و با رویکرد استنباطی و تفسیری، اصول هنجاری حاکم بر اطلاع‌رسانی را شناسایی کند و به نگرشی نظام‌مند دست یابد. سپس با استفاده از مفاهیم و اطلاعات قابل ارائه درباره اطلاع‌رسانی که در آموزه‌های دینی آمده است، راهبردهای اساسی فقه شیعه در اطلاع‌رسانی را به دست آورد.

فصیح‌رامندی (۱۳۹۴) در رساله دکترای خود با موضوع «تعامل حقوق رسانه و حقوق مخاطب» تأکید دارد که حقوق رسانه و مخاطب در ارتباط با دریافت و کسب اخبار و اطلاعات از طریق رسانه‌های گروهی جزء یکی از حقوق بنیادین بشر یعنی حقوق فردی و آزادی‌های عمومی به شمار می‌رود که همواره در اعلامیه‌های حقوقی و قوانین اساسی اغلب کشورهای جهان گنجانده شده و مورد پذیرش قرار گرفته است. رسانه نیز برای بقای خود، به رعایت حقوق مخاطب نیازمند است؛ رعایت نکردن حقوق مخاطبان علاوه بر خود رسانه، به جامعه‌ای هم که رسانه در آن فعالیت می‌کند، لطمه می‌زند حتی در برخی موارد، این لطمات به دلیل ابعاد وسیع پوشش رسانه‌ها بسیار سنگین است؛ از این رو، باتوجه به تثبیت مسئولیت رسانه‌ها در قبال مخاطبان و در تناسب میان این دو حق، می‌توان وجود تعامل در این عرصه را اثبات کرد؛ به نوعی که هیچ کدام از این دو وجه از تأثیر دیگری بری نخواهد بود.

علی‌اکبری بابوکانی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «عدالت در اطلاع‌رسانی از منظر فقه»، ضمن بررسی جایگاه عدالت در حوزه اطلاع‌رسانی و ارتباطات، اظهار کرده‌اند که فراهم ساختن امکان اطلاع‌یابی همه مردم از اخبار و اطلاعات و نیز عرضه و نشر این یافته به صورت عمومی و عادلانه، رسالت نهادهای متولی نشر اطلاعات و اخبار محسوب می‌شود و شرطی ارتکازی و بدیهی است که در فعالیت‌های اطلاع‌رسانی نزد عقلاً پذیرفته شده است.

روش‌شناسی پژوهش

باتوجه به موضوع این پژوهش «کاربرد قاعده عدالت در خبررسانی از منظر حقوق مخاطب» روش پژوهش به صورت اسنادی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای بوده است.

چارچوب مفهومی پژوهش

مفهوم‌شناسی خبر

از نظر لغوی، واژه خبر که اکنون در زبان فارسی به کار می‌رود، از زبان عربی گرفته شده است و معادل آن در زبان اروپایی information است (نعمتی‌انارکی، ۱۳۸۰: ۲۰۴) در مجموع لغت‌نامه‌ها به علم، آگاهی و اطلاع از حقیقت چیزی معنا شده است (سیاح، ۱۳۷۰؛ جر، ۱۳۷۳: ۸۸۹؛ بندریگی، ۱۳۷۴؛ فهری، ۱۳۸۰ و دهخدا، ۱۳۷۷).

در مفهوم‌شناسی خبر تعاریف متعددی آمده است در ادامه به بیان چندی از این تعاریف می‌پردازیم. خبر، گزارشی عینی از واقعیت‌هاست که دارای یک یا چند ارزش خبری و تحت تأثیر عوامل درون سازمانی و بیرون سازمانی است (بدیعی، ۱۳۸۰: ۵۵ و محسنیان‌راد، ۱۳۷۱: ۱۳). گاه نیز به گزارش بی‌طرفانه، دقیق، عینی و صحیح از رویداد تعریف شده است (قربانی، ۱۳۸۵: ۲۱ و شکرخواه، ۱۳۷۸: ۷) در بیان دیگر خبر، گزارشی از واقعیت‌هاست؛ اما هر واقعیتی را نمی‌توان خبر نامید (بدیعی و قندی، ۱۳۸۰: ۲۰). در زبان اروپایی بین خبر معمولی (information) و خبرهای تازه (news) اختلاف وجود دارد. در خبر معمول واقع جاری است که تأخیر در آن تأثیری ندارد اما در خبر تازه عنصر «نو» بودن ملاک است (معتدنازاد و منصفی، ۱۳۸۲: ۴۶). در نتیجه خبر به دنبال تأثیر بر مخاطب و نوع حساسیت و رضایت مخاطب نسبت به آن است که مهم‌ترین سازه خبری محسوب می‌شود (رانندال، ترجمه قاضی‌زاده، ۱۳۸۲: ۷۹).

با بررسی اجمالی قرآن، روشن می‌شود که سه کلیدواژه مهم در حوزه خبر وجود دارد: «خبر»، «حدث» و «نبأ»؛ هرچند پیام‌های خبری قرآن کریم را می‌توان نمونه‌ای از کل آیات دانست. شاید مرتبط‌ترین واژه با مباحث خبری امروزی، «نبأ» باشد. این واژه در عمیق‌ترین و اصیل‌ترین لایه معنایی به حرکت از یک مکان به مکان دیگر اشاره دارد؛ نبأ خبری است که منتقل می‌شود؛ از دروغ خالی و دارای فایده بزرگی است و به واسطه آن، یا علم حاصل می‌شود و یا یک طرف احتمال تقویت می‌شود؛ پس نبأ در زبان قرآن، پیامی خبری است که دارای چهار ویژگی انتقال، مفید بودن، صادق بودن و آگاه‌کننده یا کاهش‌دهنده بودن ابهام است (آشنا، ۱۳۸۹: ۱۴۹-۱۴۸).

مفهوم‌شناسی عدالت

کاوش در مفهوم عدالت و عدالت‌خواهی، قدمتی به درازای عمر شکل‌گیری نخستین جوامع بشری دارد. تعبیر و توصیف‌های گوناگونی از عدالت بر بوم تاریخ نقش بسته که در فلسفه، الهیات و تجارب کهن ریشه دارد و پیش از تاریخ ثبت شده بوده است. تصادفی نیست که مسئله عدالت آن‌گونه که از سوی سقراط در جمهوری افلاطون مطرح شده، آغاز رسمی فلسفه غرب است. در دوره مدرن، هم در همه عرصه‌ها و دوره‌هایی که انسان تصور واحدی از مفهوم عدالت نداشته و تنها درگیر یک «مشترک لفظی» بوده، تعریف‌ها و نظریه‌هایی درباره عدالت ارائه شده است که اجماعی بر هیچ‌کدام از آنها وجود ندارد و حتی اغلب از سوی مخالفان به چالش کشیده شده‌اند؛ البته به‌نظر می‌رسد نقطه تلاقی و مرکز ثقل همه تعریف‌ها و نظریه‌ها این است که عدالت درباره انسان و روابط او در سطح‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است (تاجیک نشاطیه، ۱۳۸۵: ۱۱). عدالت در یونان باستان، حداقل دو اصطلاح متفاوت داشت که در انگلیسی ترجمه شده‌اند Dikaosune، را به‌طور معمول به Justice ترجمه می‌کنند و بیشتر، به معنای برابر به کار می‌رود (سولومون^۱ و ماربی^۲، ۱۹۹۹: ۱۱).

در علم حقوق، عدل اصطلاحی است کلی برای بیان هدف که از روابط قانونی افراد با یکدیگر و روابط قانونی دولت‌های مستقل حاصل می‌شود و در موارد خاص، با اجرای صحیح اصول قانونی به‌صورت کامل و مطلوب باید به دست آید (صالح، ۱۳۸۳: ۴۲). در حقوق، فضیلت عدل یک صفت ذاتی و قطب متقابل ظلم است که به‌عنوان کل تکوینی قانون به حساب می‌آید (الذنون،

1. Solomon

2. Murphy

۱۹۷۵: ۱۶۳). در قرآن از توحید گرفته تا معاد، از نبوت گرفته تا امامت و زعامت، از آرمان‌های فردی گرفته تا آرمان‌های اجتماعی همه بر محور عدل استوار شده‌اند، عدل قرآن، همدوش توحید و رکن معاد و هدف تشریح نبوت و فلسفه زعامت و امامت و معیار کمال فرد و مقیاس سلامت اجتماع است و آنجا که به نبوت و تشریح و قانون مربوط شود یک «مقیاس» و «معیار» قانون‌شناسی است (یثربی قمی، ۱۳۷۴: ۵۰-۴۹). در جامعه سیاسی که بر مبدأ عدالت اقامه شده باشد، آزادی را پاسداری می‌کند و از تجاوز دیگران محفوظ است از این‌رو، عدالت ضامن است؛ اما آزادی نمی‌تواند عدالت را تضمین کند (شمس‌الدین، ترجمه آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۱۹).

مفهوم عدالت به‌طور معمول با عباراتی چون «اعطا کل ذی حق حقه» یا «وضع شی فی‌ما وضع‌له» بیان می‌شود. مفهوم عدالت با فطرت بشری سازگار است و محتوای آن به‌طور کلی در شرع آمده است ولی تعیین مصداق آن با شارع نیست. فقها و علمای اخلاق، به‌طور معمول عدالت را در جنبه‌های فردی و تعدیل اخلاقی به کار می‌برند؛ اما امروزه بیشتر بعد اجتماعی آن لحاظ می‌شود. رویکرد فقهی به عدالت، بیشتر جنبه‌های فردی و شخصی آن را مدنظر دارد؛ اما اندرزنامه‌نویسان با گرایشی محافظه‌کارانه به‌طور عمده عدالت را حفظ وضع موجود می‌دیدند (حقیقت، ۱۳۸۳: ۹۶-۹۵). بنابراین عدالت واژه‌ای است که تعیین مصداق عینی و خارجی برای آن دشوار است و از این‌رو، در شمار مفاهیم بسیار ذهنی قرار می‌گیرد، درباره مفهوم عدالت، مفاهیمی همچون برابری، انصاف و مساوات نیز مطرح می‌شوند که گاهی مترادف با آن و گاهی با مفهومی متفاوت با آن به کار گرفته شده‌اند (بیچرانلو، ۱۳۹۰: ۳۹).

چارچوب نظری پژوهش

مبانی نظری قاعده عدالت

جان راولز با نگاهی لیبرالیستی قائل است که انسان‌ها در موقعیت نخستین و اصلی، از موقعیت بی‌خبری محض برخوردارند و از اهداف و منافع خود و دیگران بی‌اطلاع‌اند. وی معتقد است که اشخاص در این موقعیت دو اصل زیر را به کار می‌گیرند: (۱) همه اشخاص در حقوق و آزادی‌های بنیادین با یکدیگر برابرند و (۲) در خصوص حقوق اجتماعی و اقتصادی، تفاوت وجود دارد اما نابرابری‌ها باید به‌گونه‌ای سازمان داده شوند که الف) بیشترین منفعت را برای

مسکین‌ترین و ضعیف‌ترین افراد به ارمغان بیاورند و ب) برای همه افراد، فرصت برابر و منصفانه‌ای برای شکوفا کردن استعدادها و پیشرفت مهیا کنند (راولز، ترجمه ثابتی، ۱۳۸۸).

در مفهوم‌شناسی عدالت، گاه معنای واحد و گسترده به‌سان چتری فراگیر تصور می‌شود و سپس تحلیل‌ها و مصادیق رنگارنگ از آن را به فراخور مقتضیات و شرایط زمان و مکان ارائه می‌دهند (استاینر، ترجمه راسخ، ۱۳۸۵: ۱۴) تام کمپل معتقد است که باید از مفهوم عدالت پیشین چشم‌پوشی کنیم و خود را گرفتار تمایز میان مفهوم با مصداق یا تصور با تصدیق در خصوص این پدیده نکنیم، ضمن اینکه در پی تعریف هرچند کلی از عدالت نباشیم بلکه باید در جستجوی تمییز امر عادلانه از غیرعادلانه برآییم؛ زیرا دعوا بر سر مصادیق عدالت است (کمپل^۱، ۲۰۰۵). به‌گفته ریچارد رورتی، به‌جای عدالت ماهوی باید به دنبال دموکراسی گفتگویی و تضمینات عدالت شکلی یا رویه‌ای بود. چراکه دموکراسی و مشارکت، بر فلسفه و ایدئولوژی اولویت دارد (ترجمه دیهیمی، ۱۳۸۸: ۵۸).

مبانی دینی عدالت

یکی از موضوعات مهم و قابل بحث در نهج البلاغه «عدالت» است، این موضوع گوشه‌ای از شگفتی شخصیت امیرالمومنین (ع) و حساسیت ایشان را نسبت به این پدیده نشان می‌دهد. حضرت امیر (ع) در فرازی از نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «وإن افضل قره عین الولاه استقامه العدل فی البلاد» (بهترین سوغاتی و نور چشمی دولتمردان به مردم بر پا داشتن عدالت در شهرهاست) امیرالمؤمنین (ع) در تعریف عدل می‌فرماید: «العدل قوام الرعیه و جمال الولاه» (عدل قوام جامعه و زیبایی حکومت دولتمردان است)، پس دو ویژگی در عدالت وجود دارد؛ یکی اینکه موجب قوام و ثبات جامعه می‌شود و دیگر اینکه خلعتی زیبا بر اندام زمامداران است؛ بنابراین عدالت از دیدگاه حضرت علی (ع) به دلیل هماهنگی با طبیعت امور، ترازویی است که می‌تواند اداره کشور را تنظیم کند (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۵). عدل در فرهنگ اسلامی الزاماً به معنی برابری همه افراد هم‌نوع در امکانات و وظایف نیست بلکه عدل آن است که به هر کس متناسب با توانش مسئولیت داده شود و در حد توانایی و طاقتش از وی انتظار تلاش و کار رود (منتظری، ترجمه صلواتی، ۱۳۶۷: ۱۰۸).

از دیدگاه نهج البلاغه، تأکید بر عدالت رویه‌ای بسیار جدی است و فراگرد

حساب پس‌دهی سیاسی و اقتصادی بسیار دقیق است؛ به طوری که در نامه به زیادابن ابیه، امام سوگند می‌خورد که اگر به او خبر رسد که زیاد در اموال مسلمانان به‌اندک یا بسیار خیانت کرده است، چنان بر او سخت گیرد که حقیر و خوار شود (پورعزت، ۱۳۸۸: ۲۳۷-۲۲۳). عدالت میزان و معیاری برای فقاقت و استنباط است و تمامی برداشت‌های فقهی و فتاوی باید با آن سنجیده شود. همچنین چراغی است که حتی سایر قواعد مانند لاضرر، لاجرح و... و عرف‌های عام و بنائات عقلانی هم در پرتو آن محک می‌خورند و میزان و معیار بودن خود را از آن کانون می‌گیرند. از سوی دیگر، عدالت میزان و معیاری برای فقاقت و استنباط است و تمامی برداشت‌های فقهی و فتاوی باید با آن سنجیده شود. این قاعده می‌تواند بر هماهنگ‌سازی مجموعه فقه اثر بگذارد، چنان‌که در پر کردن منطقه الفراغ، به‌مثابه حریمی است که نباید از آن تعدی کرد. عدل در دایره علوم اسلامی در دانش کلام، فقه و اخلاق مطرح بوده است (مهریزی، ۱۳۷۶). اصل عدالت از مقیاس‌های اسلام است که باید دید چه چیزی بر آن منطبق می‌شود، عدالت در سلسله علل احکام است نه در سلسله معلولات، نه این است که آنچه دین گفت عدل است، بلکه آنچه عدل است دین می‌گوید (مطهری، ۱۴۰۹: ۱۴).

در دانش فقه از عدالت در دو مورد به صورت مستقل گفتگو شده است؛ یکی آنجا که عدالت یکی از صفات مجتهد، قاضی، امام جماعت، شهود، گواهان و... به شمار آمده و در رأی مشهور به‌عنوان ملکه نفسانی از آن تعبیر شده است. در این زمینه، به‌جز جایگاه یاد شده در فقه، رساله‌های متعددی نیز تحریر شده است (مدرسی طباطبایی، ترجمه فکرت، ۱۴۱۰: ۴۳۴). مورد دیگر، به‌عنوان یک قاعده، با تعبیر «قاعده العدل والانصاف» از آن یاد شده و کاربرد آن در اشتباهات خارجی است یعنی آنجا که اموالی مخلوط شود و تفکیک آن میسر نباشد. این مورد هم در فقه سابقه داشته است (مصطفوی، ۱۴۱۲: ۱۴۰).

یافته‌های پژوهش

۱. شاخص‌ها و قلمرو قاعده عدالت در خبررسانی

• شاخص‌های عدالت در خبررسانی

عدالت در عرصه اطلاع‌رسانی، به‌عنوان اصلی مهم در فعالیت رسانه‌ها در نظر گرفته می‌شود. از نظر اسلام، عدالت مقیاس دین است نه دین مقیاس عدالت

و عدالت به منزله یک شاخص دینداری مطرح است؛ بنابراین، در بینش اسلامی، عدالت مقیاس همه چیز و هدف بعثت انبیا معرفی شده است (جلالی، ۱۳۹۱: ۵۹)، از این رو، در ادامه سعی شده است به شاخص‌های قاعده عدالت نظیر؛ بی‌طرفی، برابری و انصاف که معیار مطلوب انتقال اطلاعات است، بپردازیم:

الف) بی‌طرفی

بی‌طرفی تنها به فقدان واقعی جانبداری و تبعیض مربوط نیست؛ بلکه با درک فقدان آن نیز مرتبط است. عدالت نه تنها باید اجرا شود بلکه باید اجرای آن آشکارا دیده شود (شاه‌حیدری‌پور و همتی، ۱۳۸۹: ۷۳). از نظر موازین فقهی، علاوه بر اینکه «شخص» داور باید «بی‌طرف» باشد، باید در «رفتار» خود نیز «بی‌طرفی» را رعایت کند. یعنی داور، باید در کار داوری نیز «مقید» به «بی‌طرفی» باشد، از این رو، از رفتارش نباید شائبه طرفداری از یکی به مشام برسد، فقهای بزرگی فرموده‌اند، باید در رسیدگی به شکایت افراد، «نوبت» را رعایت کند با این استدلال، قاضی، نه تنها در رعایت نوبت باید کاملاً بی‌طرفانه عمل کند، بلکه در مقدمات دیگر رسیدگی به دعوی و در طول رسیدگی نیز، باید بی‌طرفی را حفظ کند چراکه فقها فرموده‌اند قاضی در مجلس محاکمه نباید یک طرف دعوی را بر دیگری ترجیح دهد و به گونه‌ای، «میل و گرایش» خود را به او اظهار کند و زمینه «تهمت» را فراهم کند (سروش محلاتی، ۱۳۸۹: ۷۹)؛ بنابراین «بی‌طرفی» یک مفهوم کیفی است و برای تبیین آن باید مشخص کرد که «بی‌طرفی نسبت به چه معیاری» مورد نظر است. وسایل ارتباط جمعی برای اینکه در انتقال اطلاعات و فعالیت‌های رسانه‌ای «بی‌طرف» باشند باید فقط سعی کنند که «عدالت» و «انصاف» را رعایت کنند.

ب) برابری

در آموزه‌های اسلامی اصل عدالت و برابری در ایجاد فرصت و امکانات برابر برای همه افراد جامعه، یکی از اصول بنیادین و معیار و مقیاس اصلی و کارآمد در نظام سیاسی اسلام به شمار می‌رود. فقیهانی همچون نائینی، مساوات و برابری تمام افراد ملت، حتی حاکم را در برابر همه حقوق و احکام، از اصول اساسی سیاست اسلامی در فقه شیعه می‌دانند و آن را مبنا و اساس عدالت و روح تمام قوانین اسلام معرفی می‌کنند. از منظر این فقیه برجسته، این اصل ناظر

به برابری و تساوی همه افراد در مقام اجرای احکام است. امروزه اطلاع‌رسانی در حوزه‌های مرتبط با مصالح جامعه و زندگی مردم، یکی از مشاغل مهم و واجب به شمار می‌رود که در اصلاح فقهی از آن به‌عنوان «صناعات واجبه» یاد می‌شود. اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی آحاد جامعه در نظام اسلامی، بر عهده رسانه‌های جمعی قرار دارد و از جمله حقوقی است که مردم می‌توانند از مدیران جامعه مطالبه کنند، زیرا حق دسترسی یکسان به اطلاعات مورد نیاز، یکی از حقوق اجتماعی است که قانون و شرع مقدس، تحقق آن را برعهده مدیران رسانه گذاشته است و باید در این زمینه پاسخگو باشند (جلالی، ۱۳۹۱: ۶۰).

ج) انصاف

در فرازی از نامه ۵۳ نهج‌البلاغه حضرت علی در رعایت اصل انصاف خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «انصاف را در رابطه بین خود و خدا و خود و مردم نسبت به خاصان اقوامت و کسانی که به آنان گرایش داری، رعایت کن. پس، به‌درستی که اگر چنین نکنی ظلم کرده‌ای و هر کس به بندگان خدا ظلم ورزد خدا در عوض بندگانش دشمن اوست». دولت علوی، به حسب ماهیت و جوهر خود، دولتی خیرخواه و خدمتگذار است؛ زیرا چنین دولتی، هدفش تحقق حاکمیت الهی، استوارسازی ارزش‌های انسانی و تکریم انسان‌ها است (گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۰: ۱۷). اصل انصاف به معنای مطرح و منعکس کردن دیدگاه‌های طرفین موضوع در یک بحث، درج دیدگاه‌های دو طرف و پناه و سنگر بودن در برابر نادرستی خبر به دست آمده از یک منبع خبری مغرض خواهد بود. گزارش یک‌طرفه می‌تواند تخریبی و از نظر قانونی خطرناک باشد. در نیل به اصل اخلاقی انصاف، عوامل گوناگونی چون انتخاب واژه‌ها، گزینش عناصری که محتوای یک گزارش را تشکیل می‌دهند، برداشت ذهنی روزنامه‌نگار و سازکار گردآوری اخبار دخیل‌اند (احدزاده، ۱۳۹۰: ۹۵).

قطع‌نامه‌ها و اعلامیه‌های بین‌المللی نیز به صورت گسترده در بیان چپستی آزادی خبررسانی، بر مطلق بودن اظهار یا انتشار اطلاعات به تمام وسایل ممکن یا به هر طریق، بدون ملاحظات مرزی تأکید دارند. آنچه در مفهوم و منطوق قطع‌نامه‌ها و اعلامیه‌های بین‌المللی آمده، حاکی از آن است که آزادی خبررسانی ملازم آزادی رسانه است. درواقع، این توسعه وسایل ارتباط جمعی است که می‌تواند زمینه آزادی اطلاعات را فراهم آورد و موضوعات گسترده‌ای را پوشش

دهد؛ همچنین در اسناد بین‌المللی، مؤلفه‌هایی نظیر؛ بی‌طرفی، کثرت‌گرایی، استقلال و نبود انحصارطلبی در رسانه را از شاخص‌های حاکم بر آزادی اطلاعات و اخبار در وسایل ارتباط جمعی دانسته‌اند.

• قلمرو قاعده عدالت در خبررسانی

در تعیین مصادیق عدالت، لازم است ضرورت‌ها، امکانات و قابلیت‌های موجود در جامعه را مطالعه کنیم، تا پی‌ببریم که این مفاهیم کلی و انتزاعی در ارتباط با یک «وضعیت معین و مشخص» چه معنایی پیدا می‌کنند. باید «قابلیت‌ها» یعنی آنچه می‌تواند بشود، «ضرورت‌ها» یعنی آنچه ایجاد محدودیت می‌کند، «واقعیت‌ها» یعنی آنچه خودش را تحمیل می‌کند و «امکانات» یعنی آن چیزهایی که شما به وسیله آنها می‌توانید چیزهای دیگری را به وجود بیاورید مورد توجه قرار گیرند، آنگاه گفته شود که وضعیت حاضر، برای مثال مصداق عدل است یا مصداق ظلم... زمان و مکان، در تعیین مصداق ظلم و عدل نقش بازی می‌کنند (شبستری، ۱۳۷۹: ۷۴-۷۳).

از آنجا که از حیث مفهوم‌شناسی در عدالت اختلاف نیست، بلکه در مصادیق آن اختلاف نظر وجود دارد، عدالت در حوزه خبررسانی یک قاعده ایجابی است که کارشناسان خبری باید با توجه به شاخص‌های آن به انتشار اطلاعات بپردازند. برای مثال، در اخبار نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری لازم است خبرگزاری‌ها با رعایت عدالت اخبار را در اختیار مخاطبان بگذارند و با رعایت انصاف، برابری و بی‌طرفی، عدالت خبری را تحقق بخشند؛ زیرا اگر خبر تمایل به یک نامزد خاص داشته باشد و بی‌طرفی را رعایت نکند رسانه نمی‌تواند عادل باشد. برای مثال، اخبار مربوط به یکی از نامزدها را در زمانی خاص که رسانه مخاطب زیاد دارد، پخش کند یا اینکه زمان بیشتری را به انتشار خبرهای مربوط به او اختصاص بدهد؛ یعنی شاخص برابری را رعایت نکند. همچنین که اگر در اخبار خود به سمتی گرایش پیدا کند که برنامه‌های یک نامزد را تبلیغ کند، خلاف اصل انصاف است.

۲. عدالت در خبررسانی با محوریت مخاطب

«حقوق مخاطب» به‌عنوان یکی از مفاهیم شگرف تأثیر گرفته از انقلاب ارتباطات (انقلاب صنعتی دوم) در آغاز به صورت کاملاً ساده، با شکل‌گیری

رسانه‌های مختلف و با انتقال متن پیام‌ها بین افراد (البته در ابتدای راه فقط در میان نخبگان) مورد توجه قرار گرفت؛ اما با گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی و همراه با متنوع و بهینه‌تر شدن رسانه‌ها و همچنین استفاده طیف گسترده‌ای از افراد جامعه یا بهتر بگوییم همه افراد از رسانه‌ها شکل پیچیده‌تری به خود گرفت. حقوق رسانه و مخاطب در زمینه دریافت و کسب اخبار و اطلاعات از طریق رسانه‌های گروهی، یکی از حقوق بنیادین بشر یعنی حقوق فردی و آزادی‌های عمومی به شمار می‌رود که همواره در اعلامیه‌های حقوقی و قوانین اساسی اغلب کشورهای جهان گنجانده شده و مورد پذیرش قرار گرفته است؛ اما از سوی دیگر، تحلیل‌گران تأکید دارند که رسانه‌ها نیز برای بقای خود، به رعایت حقوق مخاطب نیازمندند؛ رعایت نکردن حقوق مخاطبان، علاوه بر خود رسانه، بلکه به جامعه‌ای هم که رسانه در آن فعالیت می‌کند، لطمه می‌زند حتی در برخی موارد، این لطمات به دلیل ابعاد وسیع پوشش رسانه‌ها بسیار سنگین است. به این ترتیب، باتوجه به تثبیت مسئولیت رسانه‌ها در قبال مخاطبان و در تناسب میان این دو حق، می‌توان وجود تعامل در این عرصه را اثبات کرد، به نوعی که هیچ‌کدام از این دو وجه از تأثیر دیگری بری نخواهد بود (فصیح‌رامندی، ۱۳۹۴).

در ادامه شایان ذکر است، که فراهم ساختن امکان اطلاع‌یابی همه مردم از اخبار و اطلاعات و عرضه و نشر این یافته‌ها به صورت عمومی و عادلانه، رسالت نهادهای متولی نشر اطلاعات و اخبار و مطالب محسوب می‌شود و شرطی ارتكازی و بدیهی است که در فعالیت‌های اطلاع‌رسانی نزد عقلاً پذیرفته شده و همه کسانی که با علم به این ارتكاز عقلاً به فعالیت خبررسانی و انتقال پیام وارد و متصدی این امر می‌شوند، این شرط را در ضمن عقد می‌پذیرند و خود را ملزم می‌دانند که تمهیدات لازم را در مسیر توزیع عادلانه اخبار و اطلاع‌یابی فراهم آورند؛ به این معنا که برای تمام مردم و آحاد جامعه، امکان دریافت اخبار و اطلاعات را در نظر بگیرند (علی‌اکبری بابوکانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۱).

اساسی‌ترین اموری که در استمرار جریان عادی زندگی اجتماعی، نظم، قوام و برقراری ارکان مختلف آن نقش دارد، صنعت اطلاع‌رسانی و گردش اخبار است؛ بنابراین، اطلاع‌رسانی در حوزه‌های مرتبط با مصالح جامعه و زندگی مردم، به‌عنوان یکی از صنایع واجب، حق جامعه به شمار می‌رود و نحوه آن باید به‌گونه‌ای باشد که جامعه از آن بهره‌مند شود. به‌همین دلیل، انتشار اخبار

به صورت عمومی و در سطح اجتماع گرچه افراد و گروه‌های خاص ابزار و امکانات دریافت آن را نداشته باشند، یک تکلیف است که معلول وجود حق برای جامعه از این جهت تلقی می‌شود. اگر اشکال گردد که دلیل اخص از مدعی است چه آنکه تنها می‌تواند ضرورت جریان اطلاعات را اثبات نماید، ولی حق بودن برای هر کسی را نمی‌تواند ثابت کند؛ زیرا اخبار ضروری غالباً توسط شخص افراد به دست می‌آید و اگر بیشتر افراد جامعه از اخبار ورای آن مطلع نشوند، تعطیل نظام لازم نمی‌آید. اخبار واجب، اخبار مرتبط با انتظام امور زندگی شهروندان حکومت اسلامی و مصالح زندگی ایشان است و این مسئله از جمله حقوق شهروندان به حساب می‌آید و با توقف مصالح زندگی ایشان بر آن بدیهی به نظر می‌رسد؛ در واقع این حق است که منشأ تکلیف دولت و حکومت اسلامی برای اطلاع‌رسانی شده است. از طرفی اگرچه خود افراد رکنی برای استیفای این حق هستند و می‌توانند به دریافت اطلاعات و اخبار اهتمام ورزند (علی‌اکبری بابوکانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۳)، خبرنگاران نیز، باید اخبار را عادلانه و بی‌طرفانه ارائه دهند و ارزش خبری را بر اساس اهمیت و تناسب آن همانند زیر تعیین کنند:

- در حالی که ترحمی فوق‌العاده را نسبت به قربانیان جنایت و فاجعه‌ای به نمایش می‌گذارند، باید با همه موضوعات پوشش خبری با احترام و شرافت برخورد کنند.
- زمانی که پای کودکان در یک برنامه خبری به میان کشیده می‌شود، باید دقت ویژه‌ای را صرف کنند و از آنان نسبت به بزرگسالان، حمایت اختصاصی به عمل آورند.
- در تلاش باشند تا اخبار گوناگون جامعه‌شان را بیابند و مردم را بدون جهت‌گیری، سوگیری یا افکار قالبی آگاه سازند.
- طیف متنوعی از بیانات، افکار و ایده‌ها را در متن اخبار ارائه کنند.
- گزارشی تحلیلی که مبتنی بر دیدگاه حرفه‌ای است و نه سوگیری فردی، ارائه دهند.

- به حقوق، مطابق دادگاهی عادلانه، احترام بگذارند (احدزاده، ۱۳۹۰: ۱۳۷).
- بنابراین دولت‌ها، تعهدی مثبت برای حمایت از آزادی انتقال اطلاعات، در ارتباط با اشخاص بر عهده دارند. از طرفی، شهروندان باید بتوانند از حق بر ارتباط نیز استفاده کنند، بر این اساس، حق دسترسی به اطلاعاتی را که برای آنها منتشر شده را دارند. منافع عمومی حق دارد در بستر منافع فردی دیده

شود. به دیگر سخن لازم است توازنی در این رابطه برقرار شود. یعنی در ارزیابی بود یا نبود تعهدات مثبت دولت‌ها، باید توازنی میان منافع عمومی جامعه و منافع افراد برقرار کرد.

اهمیت کار اطلاع‌رسانی در نظام اسلامی، در این است که جامعه، او را حلقه واسطه خود و حقایق می‌داند و بر پایه اطلاعات و اخبار دریافتی از رسانه، تحلیل و برنامه‌ریزی می‌کند. نظام اطلاع‌رسانی دینی، در دستیابی به حقایق و واقعیت‌ها و انتشار آنها در جامعه، رسالتی بس خطیر برعهده دارد. برای جست‌وجوی حقیقت و یافتن آن باید امکان شنیده شدن تمام دیدگاه‌ها وجود داشته باشد. همچنین نظام اطلاع‌رسانی دینی، از نظر شرعی و عقلی موظف است هر نوع آگاهی و اخبار مورد نیاز افراد را بدون تحریف و تغییر معنا به آنان منتقل سازد. در صورت تحریف خبر، اگر نوع اطلاع‌رسانی آنها مخل به معنا شود، پیام ایشان، ممنوع و کار و فعالیت‌شان حرام خواهد بود (جلالی، ۱۳۹۱: ۶۶-۶۲).

در عصر جدید جریان آزاد اخبار و اطلاعات منجر به دیپلماسی دیجیتالی شده است. دیپلماسی دیجیتالی عبارت است از اثرگذاری، اقناع و انگیزش بازیگران با جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل، پردازش و توزیع اطلاعات در زمان (سرعت) مناسب، بدون محدودیت مکانی از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات در جهت منافع (مالکی و واعظی، ۱۳۹۱: ۱۵). که خاصیت شفاف بودن دولت را در یک جامعه دموکراتیک تقویت می‌کند (پروین، ۱۳۸۹: ۱۹۷)، این حق لازمه مردم سالاری، پاسخگویی مقامات و مشارکت مؤثر مردم در اداره امور عمومی است.

آزادی اخبار و اطلاعات یک حق فردی است که همه افراد جامعه از آن برخوردارند و در این برخورداری، ترجیحی بین افراد عادی و روزنامه‌نگاران نیست. رسانه‌ها طبق قاعده بر قصد انتشار اطلاعات برای دسترسی به آن تلاش می‌کنند، در حالی که در چارچوب آزادی اطلاعات ممکن است دسترسی به اطلاعاتی مجاز شناخته شود که انتشار آنها ممنوع است. برخلاف آزادی بیان، آزادی اطلاعات صرفاً در زمره حقوق مدنی و سیاسی نیست بلکه حقی است با ماهیت مرکب که هم صبغه مدنی و سیاسی دارد و هم صبغه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی. بر این اساس، تعهداتی نیز که در نتیجه حق دسترسی به اطلاعات بر عهده دولت قرار می‌گیرد برخلاف تعهدات ناشی از آزادی بیان، صرفاً تعهدات منفی نیست بلکه مجموعه‌ای از تعهدات منفی و مثبت است

(کاتوزیان و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۸). از سوی دیگر، آزادی عادلانه خبررسانی پیوند قوی با برخورداری از حق سلامت، حق محیط‌زیست سالم، حق آموزش و پرورش، حق کار و حق برابری دارد. شهروندان نمی‌توانند از این حقوق به نحو مناسب برخوردار شوند و از آنها حمایت کنند مگر اینکه آزادی اطلاعات به رسمیت شناخته شود. به عبارت دیگر، وجود آزادی اطلاعات، افراد جامعه را برای شناخت حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حمایت از این حقوق توانمند می‌کند. خبر حلقه واسط بین جامعه و حقایق است و از طرفی نیز اطلاعات دریافتی از طریق سرویس‌های خبررسانی، تحلیل و برنامه‌ریزی می‌شوند، نداشتن یک خط‌مشی معین، سبب انحراف جریان خبررسانی در جامعه می‌شود. از این‌رو، دین اسلام خط‌مشی‌گذاری را به‌عنوان یک ارزش برای کنترل و هدایت جامعه مدنظر قرار داده است و از آنجا که خداوند متعال همه انسان‌ها را به حق سفارش می‌کند؛ و می‌فرماید: «تواصوا بالحق»^۱. حق و عدالت از خطوط ارزشی جامعه دینی هستند و می‌توانند در خبررسانی هم جزء خط‌مشی یک ارزش خبری قرار گیرند.

باتوجه به هنجار یاد شده، سازمان صداوسیما باید بی‌طرفانه به انتشار اطلاعات پردازد و صرفاً منعکس‌کننده دیدگاه سیاسی و اعتقادی گروه یا حزب خاصی نباشد. زیرا بی‌توجهی به سایر دیدگاه‌ها و نگرش‌های موجود در جامعه، زمینه تشنج و تفرقه را فراهم می‌کند و از آنجا که رسالت سازمان، وحدت و انسجام ملی است، باید منعکس‌کننده کلیه دیدگاه‌های جامعه باشد.

ضمن اینکه ماده ۱۷ قانون خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما بر هنجار قانونی عادلانه تأکید دارد و از این‌رو، صداوسیما باید رویدادها، فعالیت‌ها و مسائل سراسر کشور را باتوجه به اولویت‌های منطقه‌ای به‌طور عادلانه در برنامه سراسری منعکس کند. از سوی دیگر، قانونگذار در قانون یاد شده در ماده ۱۸، صداوسیما را موظف کرده است آخرین «اخبار و اطلاعات صحیح و مهم کشور و جهان را که مفید و مورد نظر اکثریت مردم باشد»، به صورتی کوتاه و گویا منتشر سازد. باتوجه به هنجار یاد شده سازمان صداوسیما مکلف می‌شود اخبار و اطلاعاتی را در اولویت قرار دهد که برای مخاطبان مفید واقع می‌شود؛ بنابراین و با وجود این هنجار، دیگر ضرورت انتشار اطلاعاتی که برای مردم هیچگونه منفعتی ندارد، منتفی می‌شود؛ البته وصف مفید و عادلانه نیاز به پژوهش و افکارسنجی از پیش تعیین شده نیز دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

درواقع، با در نظر گرفتن قاعده عدالت در خبر و خبررسانی است که حد و مرز آزادی بیان و انتقاد، مشخص و از حریم قانونی، حقوقی و اجتماعی افراد حمایت می‌شود. باید گفت که در این چارچوب، خبرنگار بدون آلوده شدن به برخی مسائل غیراخلاقی می‌تواند در حیطه روزنامه‌نگاری فعال باشد. بر اساس شاخص‌های عدالت، هم خبرنگاران و روزنامه‌نگاران و هم خوانندگان، احساس امنیت و آرامش خاطر می‌کنند. در چنین فضایی، افراد یقین دارند که اخبار و اطلاعات بدون هیچ زدوبند غیراخلاقی، در اختیار میلیون‌ها خواننده روزنامه، نشریه و مجله قرار می‌گیرد. در چارچوب رعایت امنیت اخلاقی در مطبوعات و دیگر رسانه‌های خبری، همه می‌توانند به درستی یا نادرستی اطلاعات، اخبار، مطالب، مقاله‌ها، گزارش‌ها و... اطمینان کامل داشته باشند. در سایه رعایت قاعده عدالت است که اشخاص حقیقی و حقوقی نیز می‌توانند اطمینان داشته باشند که هویت اجتماعی و شخصیت مدنی آنان در مطبوعات و دیگر رسانه‌های خبری مخدوش نخواهد شد.

خبر به‌عنوان واسطه پیدایش آگاهی و وسیله انتقال اطلاعات، با یکی از حساس‌ترین ابعاد زندگی اجتماعی، یعنی قانون زیستن در پناه آن، ارتباط تنگاتنگ دارد. اگر اطلاع‌رسانی به‌موقع در مورد قوانین و مقررات صورت نپذیرد، نمی‌توان افراد و گروه‌ها را به دلیل نقض این قوانین مؤاخذه کرد و قهراً هدفی که تصویب این قوانین دنبال می‌کند، یعنی برقراری نظم در اجتماع، خودبه‌خود مخدوش می‌شود. اهمیت این امر سبب شده است که قانونگذار عرفی، درباره نحوه اطلاع‌رسانی مصوبات خود در متن اقدام به قانون پیشبینی کند و تدابیری خاص را تدارک ببیند.

در خاتمه شایان ذکر است که روح حاکم بر قواعد ناظر بر حوزه خبر و خبررسانی مکلف ساختن حوزه خبر و خبرگزاری‌ها به رعایت حقوق مخاطب است؛ زیرا رسانه بدون مخاطب، فاقد ارزش و اعتبار است. با توجه به اهمیت و تأثیرگذاری خبر و خبررسانی در زندگی فردی و اجتماعی و همچنین قدرت نفوذ رسانه بر فکر، تشخیص و انتخاب افراد، ضروری است که مطالعات عمیق‌تری، در حوزه فقه و حقوق در خصوص این امر مهم صورت گیرد؛ زیرا فقدان مبانی نظری و علمی در فقه و حقوق رسانه مانع از تحقق رسانه دینی خواهد شد.

پیشنهادها

به‌منظور تحقق مطلوب خبررسانی ضروری است، در سازماندهی و هماهنگی میان نقش‌های مدیریتی و نقش‌های عملیاتی (خبرنگاری، گزارشگری، دبیران و...) به جایگاه، اهمیت و کارآمدی آن توجه ویژه‌ای شود؛ البته این اقدامات در صورتی نتیجه بخش خواهد بود که اولاً، از ابتدای تهیه، تنظیم و تدوین اطلاعات و اخبار و تا هنگام انتشار مورد توجه قرار گیرد و ثانیاً، برای شاخص‌هایی نظیر؛ برابری، انصاف و بی‌طرفی ضمانت اجرایی در نظر گرفته شود.

نظر به اهمیت مخاطب برای رسانه، لازم است؛ شاخص‌های یاد شده، به‌عنوان شاخص اصلی در نظارت و ارزیابی حوزه خبر و اطلاع‌رسانی مدنظر قرار گیرند؛ زیرا افکار عمومی از رسانه انتظار دارد که به‌عنوان یک منبع مؤثق، اخبار و رویدادها را در سریع‌ترین زمان و با دقت بالا در اختیار عموم قرار دهد.

نوآوری و محدودیت

موضوع کاربرد قاعده عدالت در خبررسانی از منظر حقوق مخاطب از جمله مسائل جدید و کاربردی است که در پژوهش‌های پیشین کمتر مورد توجه بوده است، همچنین از نقاط مثبت پژوهش حاضر کاربردی بودن آن است چنان‌که یافته‌های هنجارمند فقهی و حقوقی آن به‌عنوان متغیرها و شاخص‌های حوزه خبررسانی در سطح داخلی و بین‌المللی و در بسترهای برودکست و برودبند قابل بهره‌برداری است.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش، کمبود مطالب و منابع مرتبط با موضوع بوده است، ضمن اینکه پژوهش‌های موجود در این زمینه نیز فاقد نگرش تطبیقی به صورت کاربردی هستند.

منابع

آشنا، حسام‌الدین. (۱۳۸۹). قرآن پژوهی با رویکردی خبری - ارتباطی. خبر تحلیل شبکه‌ای و تحلیل گفتمان. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
احدزاده، اشرف‌سادات. (۱۳۹۰). اخلاق رسانه‌ای در خبر. چاپ دوم، تهران: آرون.
استاینر، هیلل. (۱۳۸۵). مفهوم عدالت (ترجمه محمد راسخ). مجلس و پژوهش، ۵۱.
اسماعیلی، محسن و عبدالله، جلالی. (۱۳۹۱). نظام هنجاری اطلاع‌رسانی در فقه شیعه. رسانه، ۸۹.

- بدیعی، نعیم و حسین، قندی. (۱۳۸۰). **روزنامه‌نگاری نوین**. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- بدیعی، نعیم. (۱۳۸۰). **روزنامه‌نگاری حرفه‌ای**. مجموعه مقالات. چاپ سوم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- برزین، مسعود. (۱۳۶۶). **فرهنگ اصطلاحات روزنامه‌نگاری**. چاپ اول، تهران: بهجت.
- بندریگی، محمد. (۱۳۷۴). **المنجد**. جلد ۱، چاپ اول، تهران: ایران.
- بیچرانلو، عبدالله. (۱۳۹۰). **توسعه عدالت زبانی**. راهبرد رسانه برای ایجاد جامعه زمینه‌ساز، **مشرق موعود**، (۱۸).
- پروین، خیراله. (۱۳۸۹). **نقش دولت در آزادی مطبوعات**. مجموعه مقالات **همایش حقوق مطبوعات**. چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات حقوق بشر و انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه تهران.
- پورعزت، علی‌اصغر. (۱۳۸۸). **در آمدی بر مبانی عدالت سیاسی در نهج البلاغه، نظریه سیاسی عدالت در اسلام**. چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پویا، علیرضا. (۱۳۸۹). **خبر و خبررسانی در قرآن**. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشکده صداوسیما.
- تاجیک نشاطیه، نرگس. (۱۳۸۵). **مفهوم عدالت در اندیشه جان استوارت میل**. تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات توسعه علوم انسانی.
- جر، خلیل. (۱۳۷۳). **فرهنگ لاروس** (ترجمه حمید طیبیان). چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.
- جلالی، عبدالله. (۱۳۹۱). **نظام اطلاع‌رسانی در فقه شیعه**. **بازتاب اندیشه**، ۱۱۸. حقیقت، صادق. (۱۳۸۳). **مسئله‌شناسی مطالعات سیاسی اسلامی**. چاپ اول، قم: بوستان کتاب.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). **لغت‌نامه**. دوره جدید زیر نظر محمدمعین و سیدجعفر شهیدی. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- الذنون، حسنعلی. (۱۹۷۵). **فلسفه القانون**، الطبعة الثانی، بغداد.
- رانندال، دیوید. (۱۳۸۲). **روزنامه‌نگاری حرفه‌ای** (ترجمه علی‌اکبر قاضی‌زاده). چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات روزنامه ایران.
- راولز، جان. (۱۳۸۸). **عدالت به مثابه انصاف** (ترجمه عرفان ثابتی). چاپ سوم، تهران: ققنوس.

- رورتی، ریچارد. (۱۳۸۸). *اولویت دموکراسی بر فلسفه* (ترجمه خشایار دیهیمی). چاپ سوم، تهران: طرح نو.
- سروش محلاتی، محمد. (۱۳۸۹). *بی‌طرفی، شرط داوری*. چاپ اول، تهران: انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی.
- سیاح، احمد. (۱۳۷۰). *فرهنگ بزرگ جامع نوین*. جلد ۱، چاپ ۱۴، تهران: انتشارات اسلام.
- شاه‌حیدری‌پور، محمدعلی و مجتبی، همتی. (۱۳۸۹). *شرح اصول رفتار قضایی*. چاپ اول، تهران: خرسندی.
- شبستری، محمدمجتهد. (۱۳۷۹). *ایمان و آزادی*. تهران: طرح‌نو.
- شکرخواه، یونس. (۱۳۷۸). *خبر*. تهران: مرکز گسترش آموزش رسانه.
- شمس‌الدین، محمدمهدی. (۱۳۸۰). *جامعه سیاسی اسلام* (ترجمه سیدمرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی). چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صالح، علی پاشا. (۱۳۸۳). *سرگذشت قانون*. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- علی‌اکبری بابکانی، احسان و محمدتقی، فخلعی و محمدحسن، حائری یزدی. (۱۳۹۳). *عدالت در اطلاع‌رسانی از منظر فقه. دین و ارتباطات*، ۱ (۴۵).
- فخارطوسی، جواد. (۱۳۸۵). *پژوهش فقهی در خبر و خبرگزاری*. چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- فصیح‌رامندی، منصوره. (۱۳۹۴). *تعامل حقوق رسانه و حقوق مخاطب*. پایان‌نامه دکتری دانشگاه خوارزمی، تهران.
- فهری، ابوالحسن. (۱۳۸۰). *فرهنگ المحيط*. چاپ اول، تهران: یادواره کتاب.
- قربانی، حسن. (۱۳۸۵). *چگونه گزارش خبری تلویزیونی بسازیم*. چاپ اول، تهران: سروش.
- کاتوزیان، ناصر و همکاران. (۱۳۸۲). *آزادی اندیشه و بیان*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی. (۱۳۸۰). *امام علی. دولت و سیاست‌های اقتصاد. کتاب نقد*، ۱۹.
- مالکی، جلیل و زهرا، واعظی. (۱۳۹۱). *آزادی مطبوعات در منظر حق دسترسی آزاد به مطبوعات. رسانه*، ۲۳ (۸۹).
- محسنیان‌راد، مهدی. (۱۳۷۱). *روش‌های مصاحبه‌های خبری*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

مدرسی طباطبایی، حسین. (۱۴۱۰). *مقدمه‌ای بر فقه شیعه* (ترجمه آصف‌فکرت). با عنوان «رسالة فی العدالة»، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی. مصطفوی، محمد کاظم. (۱۴۱۲). *القواعد*. قم: مؤسسه نشر اسلامی. مطهری، مرتضی. (۱۴۰۹). *مبانی اقتصاد اسلامی*. چاپ اول، تهران: حکمت. معتمدنژاد، کاظم و ابوالقاسم، منصفی. (۱۳۸۲). *روزنامه‌نگاری*. چاپ چهارم، تهران: سپهر.

منتظری، حسینعلی. (۱۳۶۷). *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة* (ترجمه محمود صلواتی). جلد ۲، تهران: مؤسسه کیهان. منصورى لاریجانی، اسماعیل. (۱۳۸۵). *منشور عدالت*. چاپ اول، تهران: مهدی‌القرآن.

مهریزی، مهدی. (۱۳۷۶). *عدالت به مثابه قاعده فقهی. نقد و نظر*، ۲ و ۳. نعمتی‌انارکی، داوود. (۱۳۸۰). نقش رسانه‌های گروهی در اطلاع‌رسانی و عوامل بروز بی‌اعتمادی مخاطب نسبت به خیر. *پژوهش‌های ارتباطی*، ۸ (۲۷). یشربی‌قمی، سیدعلی. (۱۳۷۴). *مقدمه علم حقوق و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران*. چاپ اول، قم: دفتر نشر نوید اسلام.

Solomon, R.C. & Murphy, M.C. (1999). **What Is Justice?**: Classic and Contemporary Readings. Second Edition, Oxford University Press.

Campbell, T. (2001). **Justice: Issues in Political Theory**. Second Edition, Macmillan press Ltd.